



### خلاصه جلسه قبل

ما در جلسات گذشته به نفع مرحوم حکیم که حکم به نفی ولد کرده بودند، پنج وجه را ذکر کردیم و به همه آنها اشکال کردیم. وقتی این وجوه باطل بود مقتضای قاعده، لحوق ولد به صاحب نطفه است خصوصاً مقتضای روایت ولد منعقد به مساحقه این است که معیار در لحوق ولد خلق از ماء رجل است. و ما گفتیم که عرفاً هم اینگونه است و احتیاج به روایت ندارد. ما در مقام پنج مانع ذکر کردیم که مانع از لحوق ولد به صاحب نطفه (شوهر) می شدند، اما همه این پنج مورد را رد کردیم.

گفته شد که نزد عرف میزان در انتساب ولد، خلق از ماء و صاحب نطفه بودن است و استعمالات شارع در موضوعات احکام مانند اولادکم، بناتکم و امثال اینها، حمل بر عناوین عرفیه می شوند. و روایت ولد مساحقه هم به خوبی دلالت بر تقریر این امر عرفی دارد و شارع اصطلاح جدید و تعبدی ندارد. یعنی میزان شارع در ولادت و انتساب، آن چیزی است که نزد عرف محسوب می شود.

### توضیح تکمیلی فرمایش مرحوم آقای حکیم

ما در جلسات قبل بحث را به اینجا رساندیم که شاید مرحوم آقای حکیم وطی را در قضیه لحوق ولد در انسان، دخیل می دانند یعنی از نظر ایشان خلق از ماء رجل کافی نیست و مواجهه دخیل است. این عبارت گویای این است که کأنه وطی، یکی از اسباب جنسی است ولو به ملاعبه و سبق ماء، یعنی باید عملیات جنسی در میان باشد و قرار دادن نطفه مرد در رحم زن، عملیات جنسی محسوب نمی شود. مثلاً مساحقه و استمناء عملیات جنسی است اما عملیات جنسی نامشروع است. در مانحن فیه با عملیات جنسی منی از مرد خارج می شود منتهی قرار گرفتن آن در رحم زن به عملیات جنسی نیست بلکه پزشک و آزمایشگر آن را در رحم زن قرار می دهند لذا در همین بحث که نطفه با عملیات جنسی در رحم زن قرار نمی گیرد مرحوم آقای حکیم فرمودند که ولد به صاحب نطفه ملحق نیست. عبارت مرحوم آقای حکیم اینطور بود:

«إذا أدخلت المرأة منی رجل فی فرجها أثمت و لحق بها الولد و لم يلحق بصاحب المنی و کذا الحكم لو أدخلت منی زوجها فی فرجها فحملت منه و لکن لا اثم علیها فی ذلک؛ و إذا کان الولد أنثی جاز لصاحب المنی تزويجها فی الصورة الأولى دون الثانية لأنها ربیئة إذا کان قد دخل بأُمها»<sup>۱</sup>

در واقع فرمایش مرحوم آقای حکیم این است که با عملیات جنسی نطفه وارد رحم زن شود این عملیات یا به مجامعت باشد و یا به ملاعبه و سبق منی و ترشح منی به رحم زن، اما اینکه نطفه را چند وقت در جای دیگر نگهداری کنند و بعد پزشک آن را منتقل به رحم کند، به نظر مرحوم آقای حکیم این کار عملیات جنسی محسوب نمی شود.

۱. منهاج الصالحین (المحشی للحکیم)، ج ۲، ص: ۳۰۰.



### تقریر فرمایش مرحوم آقای حکیم در الفقه علی المذاهب الخمسة

در «الفقه علی المذاهب الخمسة» اینچنین به مرحوم آقای حکیم نسبت داده شده است:

«أما بالنسبة الى صاحب النطفة فقال السيد الحكيم ان الحمل لا يلحق به، لأن إلحاق الحمل بالرجل يتوقف على ان يباشر بنفسه عملية الجنس، سواء أقدر عليها أم عجز عنها، و لكن سبق منه الماء الى العضو التناسلي أثناء المحاولة أو انتقل ماء الرجل الى عضو المرأة بواسطة المساحقة، كما جاء في الرواية المتقدمة عن الامام الحسن: "ولا يلحق الولد في غير ذلك بصاحب النطفة و ان كان زوجا"»<sup>۱</sup>

این که زن خودش نطفه مرد را منتقل به رحم خودش کند، این کار نه مساحقه است که مورد نص می باشد و نه وطی است که علی القاعده می باشد، لذا ولد به صاحب نطفه ملحق نمی شود. تلقی که آقای محمدجواد مغنیه از کلام مرحوم آقای حکیم داشته اند این است که عملیات جنسی معتبر است در لحوق ولد، ما تا به حال می گفتیم که خصوص وطی معتبر است اما از این عبارت بر می آید که وطی متعین نیست بلکه یا وطی باشد و یا یک عملیات جنسی باشد که بواسطه آنها نطفه به رحم منتقل شود. چون فرض مورد بحث ایشان در منهاج، از این دو مورد خارج است لذا ولد به صاحب نطفه ملحق نمی شود.

نکته: در مورد ولد مساحقه روایت می گوید: «وَيُلْحَقُ الْوَلَدُ بِصَاحِبِ النُّطْفَةِ»<sup>۲</sup>، که امّ ولد بودن کنیز هم درست می شود مثل سایر احکام، یعنی وقتی این مولود، ولد مولی شد، این امّ هم، امّ ولد این مولاست. در امّ بودن آن زن که بحثی نبود و مرحوم آقای حکیم هم امّ بودن زن را قبول داشتند.

ما احساس نمی کنیم در مسئله جانبی برای ابهام وجود داشته باشد که نیاز به دنبال کردن داشته باشد. استدلال ما عمدتاً این است که میزان در انتساب و تحقق نسب، خلق از ماء رجل است، در اصطلاح عرف اینگونه است، لذا اطلاقات ادله که حمل بر مفاهیم عرفیه است اقتضا دارد میزان در موضوعات احکام شرعیه همان عناوین عرفیه باشد مانند «حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَ بَنَاتُكُمْ»<sup>۳</sup> و «يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ»<sup>۴</sup>. لذا تمام ادله ای که متضمن احکام عناوین انساب است حمل بر معنای عرفی می شود که متقوم به خلق از ماء رجل می باشد. در واقع اطلاقات مقامی تمام ادله ای که انساب در آنها موضوع حکم شرعی قرار گرفته است اقتضا می کند حمل بر معنای عرفی و لغوی شود چون اگر شارع اصطلاح دیگری داشته باشد باید بیان کند. مثلاً ولد موضوع است برای حرمت نکاح، ارث، وجوب نفقه و غیر آن، حتی در مسئله قصاص که اگر پدر فرزندش را بکشد، پدر قصاص نمی شود، این هم حمل بر ولد عرفی می شود یعنی اگر به غیر وجه شرعی باشد و به صورت زنا باشد، عرفاً ولد محسوب می شود و حکم قصاص را ندارد.

۱. الفقه علی المذاهب الخمسة؛ ج ۲، ص: ۳۷۶.

۲. وسائل الشیعة؛ ج ۲۸؛ ص ۱۶۹.

۳. نساء: ۲۳.

۴. نساء: ۱۱.



صاحب جواهر در صدق لغوی و عرفی ولد بحثی نداشت و مرحوم آقای حکیم هم در صدق لغوی ولد زنا که با عملیات جنسی بوده است بحثی نداشت فقط در صدق لغوی این مورد خاص اشکال داشتند. ایشان عملیات جنسی را برای صدق لغوی حتما کافی می دانند.

تنها چیزی که ممکن بود مانع از حقوق ولد شود این بود که وطی دخالت داشته باشد که ما گفتیم وطی دخالتی ندارد. ما پنج وجه ذکر کردیم که ممکن بود مانع از حقوق ولد باشند که ما آن پنج وجه را کنار زدیم. ما در ناحیه مقتضی قصوری نداشتیم لذا ما می توانستیم به روایت ولد مساحقه تمسک کنیم. ما به آن روایت هم استدلال نکردیم و گفتیم روایت نمی خواهد بگوید من شارع در باب ولد اصطلاح خاصی دارم بلکه روایت ناظر به این است که این ولد لغوی است شارع در آنجا تعبدی فرض نکرده است بلکه همان مفهوم لغوی را تقریر و امضا کرده است.

نکته: قاعده در باب حقوق ولد این است که باید احتمال انعقاد ولد از زوج وجود داشته؛ چون «الولد للفراش»، و وجود چنین احتمالی فرع این است که واقعه در فرج زن صورت گرفته باشد اما در واقعه در دُبُر، احتمال حمل وجود ندارد و انتقال نطفه از دُبُر به رحم شدنی نیست. اینکه آقایان<sup>۱</sup> می فرمایند «اگر شوهر وطی در دُبُر هم کرده باشد، ولد به او ملحق است»، ممکن است مراد این است که نطفه به رحم زن ترشح کرده است یا به تعبیر دیگر، استباق منی به صورتی که جذب رحم زن شود. اما مراد این نیست که نطفه از دُبُر به رحم زن منتقل شود چنین چیزی شدنی نیست.

## اهدای جنین

بحث ما در اهدای جنین بود که قرار شد آن را در مسائلی بحث کنیم. مسئله اول که بحث شد یکی از فروض مرتبت به اهدای جنین بود و آن این بود که در خارج رحم زن تلقیح مصنوعی صورت می گیرد و آن را در رحم زن قرار می دهند و نطفه تلقیح شده از شوهر خودش است و از اجنبی نمی باشد. این مسئله اگر اهدای جنین نیست اما مرتبط به اهدای است که بحث آن گذشت. ما در ادامه مسئله دوم را مطرح می کنیم.

## مسئله دوم

مسئله دوم این است که اسپرم مرد اجنبی با تخمک زن تلقیح داده می شود و در رحم زن قرار داده می شود که دو صورت دارد ۱. اسپرم مرد اجنبی تلقیح می شود با تخمک زنی که نطفه در رحم او قرار داده می شود ۲. اسپرم مرد اجنبی تلقیح می شود با تخمک زن اجنبیه، بعد در رحم زن دیگری قرار داده می شود. از این جهت فرقی نمی کند. محل بحث ما در اینجا قرار دادن نطفه مرد اجنبی در رحم زن اجنبیه است. ما در مسئله دوم از مسائل اهدای جنین، فعلا فرض را در این قرار می دهیم که اسپرم و نطفه از مرد اجنبی باشد.

بحث در این مسئله جهاتی را می طلبد که یکی از جهات، حکم تکلیفی این مسئله است یعنی جدای از بحث نَسَب، آیا اصل

<sup>۱</sup> . مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، ج ۱۰، ص: ۱۹۰؛ «قد تقدم أن الوطاء في الدبر بمنزلة الوطاء في القبل بالنسبة إلى كثير من أحكام الوطاء، و منها إلحاق الولد، فإنه و إن لم يكن مجرى المنى الطبيعي إلى الرحم، لكن لقربه منه يمكن استرسال المنى في الفرج من غير شعور، و إن كان نادرا. و ظاهرهم الاتفاق على هذا الحكم، و إلا فهو محل النظر».



این کار، مشروع است یا نه؟ فرض ما فعلا در مورد زنی است که شوهر دارد و نطفه اجنبی را در رحم خود قرار دهد، همچنین می تواند زنی باشد که شوهر ندارد، آیا برای زن مجرد جایز است تکلیفا این کار را انجام دهد؟ آیا جعل نطفه غیر مولی و شوهر در رحم زن اجنبی حرمت تکلیفی دارد یا نه؟

اهدای اسپرم دو قسم است یک حالت این است که اسپرم را منتقل به رحم زن می کنند و یک قسم آن این است که آن را در خارج رحم منتقل به تخمک زن می کنند بعد آن را به رحم زن منتقل می کنند، مورد بحث ما هر دو قسم را می گیرد و تفاوتی بین آنها نیست. موضوع بحث، قرار گرفتن نطفه اجنبی در رحم زن است به هر نحوی که باشد.

والحمد لله رب العالمین